یادداشت

حضور غایب یک واقعیت جهانی

چرا مطالعات روابط بین‌الملل هنوز افراد دارای معلولیت را نمی‌بیند؟

علی عباسی

پژوهشگر حوزه مطالعات معلولیت

بیـن ۱۵ تا ۲۰ درصـد جمعیت جهـان را افراد دارای معلولیت تشـکیل می‌دهند. این رقم به معنای نزدیک به یک‌ونیم میلیارد نفر است؛ جمعیتی بزرگ‌تر از کل سـاکنان اروپا و آمریکای شمالی. با این حال، اگر صفحات کتاب‌ها و مقالات رشته روابط بین‌الملل را ورق بزنید، ردپای این جمعیت عظیم را به سختی پیـدا می‌کنید. این غیاب عجیب نشـان می‌دهـد معلولیـت در مطالعات روابط بین‌الملل، نه یک موضوع حاشیه‌ای، بلکه یک «حضور غایب» بنیادین است.

پارادوکس حضور و غیاب

معلولیت هم نتیجه مسـتقیم بسـیاری از فرایندهای بین‌المللی اسـت و هم در تحلیل این فرایندها تقریبا نادیده گرفته می‌شـود. جنگ‌ها، تجارت تسـلیحات، آزمایش‌های هسـته‌ای، آلودگی محیط زیسـت، خطوط تولید جهانی و حتی بازار دارو و وسایل کمکی، همگی به شـکل گسترده‌ای معلولیت تولید می‌کنند. با این وجود، رشـته روابط بین‌الملل همچنان این واقعیت را در حاشیه نگه داشته است. این سـکوت تصادفی نیسـت. توان‌گرایی (Ableism) مجموعه‌ای از روابط قدرت نابرابر که بر اسـاس عملکرد واقعی یا ادراک‌شـده بدن و ذهن شکل می‌گیرد، در تاروپود مفاهیم و رویه‌های روابط بین‌الملل تنیده شده است. توان‌گرایی نه‌تنها افراد دارای معلولیت را به حاشیه می‌راند، بلکه توانمندی را به‌عنوان وضعیت طبیعی و هنجاری معرفی می‌کند و معلولیت را چیزی منفی و قابل اجتناب جلوه می‌دهد.

سرمایه‌داری و ساخت معلولیت

یکی از ریشـه‌های این نادیده‌انگاری، پیوند عمیق میان سرمایه‌داری نئولیبرال و تعریف معلولیت است. در منطق نئولیبرالیسم، افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند: کسـانی که «توانا» و مولد هستند و کسانی که «ناتوان» و وابسته به شمار می‌آیند. افراد دارای معلولیت به‌طور سیستماتیک در دسته دوم قرار می‌گیرند. پژوهشگران مطالعات انتقادی معلولیت نشـان می‌دهند که تمرکز بر بهره‌وری، نه‌تنها اشکال جدیدی از آسـیب را ایجاد می‌کند، بلکه فرایندهای سـاختاری معلول‌سازی را نیز نامرئی می‌کند. حتـی ابزارهای بین‌المللی مانند سـال‌های زندگی تعدیل‌شـده بر اسـاس معلولیت (DALY) که بانک جهانی برای سـنجش هزینه-اثربخشی برنامه‌های بهداشـتی به کار می‌برد، معلولیت را به‌عنوان کاهش سال‌های زندگی مولد تعریف می‌کنند. در این چارچوب، معلولیت نه یک تجربه انسانی پیچیده، بلکه یک عدد منفی در معادلات اقتصادی است.

جنگ، صلح و بدن‌های فراموش‌شده

در میان حوزه‌های مختلف روابط بین‌الملل، مطالعات جنگ و پسـاجنگ بیش از سایر حوزه‌ها به معلولیت توجه نشان داده‌اند. دلیل آن ساده است: جنگ یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان معلولیت در جهان است. با این حال، حتی در این حوزه نیز تحلیل‌ها اغلب سطحی باقی می‌مانند. بسیاری از پژوهش‌ها معلولیت را صرفا به آسیب‌های جسمی سربازان تقلیل می‌دهند و فرایندهای اجتماعی و ساختاری که افراد دارای معلولیت را در دوران پس از جنگ به حاشیه می‌رانند، نادیده می‌گیرند. بررسـی توافق‌نامه‌های صلح نشـان می‌دهد که افـراد دارای معلولیت تقریبا در هیچ‌یـک از مراحل گذار از جنگ به صلح به‌طـور معنادار حضور ندارند. تجربیات ناهمگون آنان همگن‌سازی می‌شود و چالش‌های پیچیده‌ای که با آن روبه‌رو هستند، ساده انگاشته می‌شود. زنان دارای معلولیت، کودکان و نوجوانان معلول و سربازان سـابق دارای معلولیت، همگی با لایه‌های مضاعف تبعیض مواجه هستند که در فرایندهای عدالت انتقالی و بازسازی به‌ندرت به رسمیت شناخته می‌شود. مفهوم «استثناگرایی معلولیتی» در این زمینه بسیار روشنگر است. این مفهوم به رویه‌هایی اشاره دارد که برخی معلولیت‌ها را بر دیگران اولویت می‌دهند یا معلولیت را صرفا به‌عنوان یک تراژدی فردی و تصادفی معرفی می‌کنند. در روایت‌های بشردوستانه، گاهی تصویر یک کودک معلول برای جلب توجه بین‌المللی به کار گرفته می‌شود، اما این بازنمایی، خود به بازتولید ساختارهای قدرت و توان‌گرایی کمک می‌کند.

توسعه جهانی و حلقه فقر و معلولیت

رابطه میان معلولیت و فقر، یکی از شناخته‌شـده‌ترین واقعیت‌های توسـعه جهانی اسـت: معلولیت فقر می‌آفریند و فقر نیز معلولیت ایجاد می‌کند. اکثریت قریب به اتفاق افراد دارای معلولیت در کشورهای جنوب جهانی زندگی می‌کنند. با این وجود، مطالعات توسـعه نیز بـرای دهه‌ها این واقعیت را در حاشـیه نگه داشته‌اند. سیاسـت‌های «توسـعه فراگیر معلولیت» که در سال‌های اخیر توسط برخی کشورهای اهداکننده ترویج شده، اغلب رویکردهای شمال جهانی را بازتولید می‌کننـد و نظریه‌هـا، دانش و تجربیات جنـوب را نادیده می‌گیرند. پژوهشـگران اسـتعماری‌زدایی تأکید می‌کنند که درک واقعی توسـعه جهانـی نیازمند آغاز از نظریه‌های جنوبی درباره معلولیت و شـیوه‌های تولید دانش بومی است. اهداف توسعه پایدار سازمان ملل نیز اگرچه توجه بیشتری به افراد دارای معلولیت نشان داده‌اند، اما پیشرفت عملی در این زمینه همچنان محدود باقی مانده است.

حقوق بشر بین‌المللی و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت

تصویب کنوانسـیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، نقطه عطفی در توجه بین‌المللی به حقوق معلولیت بود. این کنوانسـیون نه‌تنها معلولیـت را به‌عنوان یک مفهوم در حال تحـول تعریف کرد، بلکه نقش سازمان‌های افراد دارای معلولیت را در فرایند تدوین و اجرای آن برجسته کرد. شعار «هیـچ چیز درباره ما، بدون ما» به یکی از اصول محوری جنبش حقوق معلولیت تبدیل شـد. با این حال، حتی این پیشرفت مهم نیز با محدودیت‌های جدی روبه‌رو اسـت. پژوهشگران نشان می‌دهند که تأثیر کنوانسیون در جنوب جهانی، جایی که ۸۰ درصد افراد دارای معلولیت جهان زندگی می‌کنند، بسـیار کمتر از شمال بوده است. سـاختار دولت‌محور کنوانسـیون، تولید جهانی معلولیت -از طریق جنگ، اسـتعمار و سـرمایه‌داری- را خارج از تعهدات حقوقی دولت‌ها قرار می‌دهد. در نتیجه، رویکرد شمال جهانی به معلولیت همچنان هژمونیک باقی می‌ماند.

مفاهیم کلیدی برای تغییر نگاه

پژوهشگران برای عبور از این بن‌بست، مجموعه‌ای از مفاهیم انتقادی را پیشنهاد می‌کند که می‌توانند نگاه روابط بین‌الملل را دگرگون کنند:

توان‌گرایـی ملی‌گرایانـه (Ablenationalism): شـیوه‌ای کـه در آن برخورد اسـتثنائی با افراد دارای معلولیت، هنجارهای توانمند را به‌عنوان شـرط طبیعی شهروندی تثبیت می‌کند. دولت‌ها گاهی افراد دارای معلولیت را در روایت‌های ملی خود می‌گنجانند، اما این گنجاندن اغلب در خدمت اهداف دیگری است.

اسـتثناگرایی معلولیتی: ایدئولوژی‌ای که معلولیت را امری اسـتثنائی و فردی معرفی می‌کند و با این کار، شرایط ساختاری شهروندی توانمند را تقویت می‌کند.

انگ‌زنی: سـازوکاری که از طریق عدم شناسایی یا شناسـایی نادرست گروه‌ها، استثمار و طرد آنان را توجیه می‌کند و به‌ویژه در تقاطع با جنسیت، نژاد و استعمار عمل می‌کند.

امنیت هستی‌شناختی: احساس ثبات و انسجام «خود» که خشونت، توان‌گرایی و تولیـد فراملی معلولیت آن را به‌شـدت مختل می‌کند. این مفهوم می‌تواند پلی میان مطالعات انتقادی معلولیت و نظریه‌های امنیت در روابط بین‌الملل ایجاد کند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

گزارش «شرق» از تعطیلی بسیاری از بوم‌گردی‌ها، کافه‌ها و رستوران‌های مناطق گردشگری جنوب کشور به دلیل شرایط جنگی

«جنوب» در خاموشی گردشگر

نسترن فرخه: مکان‌های توریستی زیادی در جنوب تخلیه شده و املاک آنها برای فروش یا اجاره گذاشـته شده است. حتی برخی صاحبان این کسـب‌وکارها دیگر مجوزهای گردشگری خود را تمدید نکرده‌اند. ورشکستگی صنعت گردشگری در جنوب ایران با شروع جنگ و شـدت تورم‌ها افزایش پیدا کرده و حالا صاحبان بوم‌گردی‌های جنوب کشـور از تعطیل‌شدن بخش قابل توجهی از کسـب‌وکارهای مرتبط با گردشگری در این مناطق خبر می‌دهند. بر اسـاس بررسـی‌ها، حتی بوم‌گردی‌هـای کوچک باعث درآمدزایی برای ۱۰ تا ۳۰ نفر به‌صورت مسـتقیم و غیرمسـتقیم می‌شوند. طبق گفته صاحبان مناطق توریسـتی، بسـیاری از روسـتاها، ازجمله روسـتاهای جزیره قشم، در سـال‌های گذشـته فضای توریسـتی و تفریحی پیدا کرده بودند و درآمد حاصل از گردشـگری، منبع امـرار معاش بسـیاری از خانواده‌ها بود. در حالی کـه الان در این روستاها کافه‌ها و رستوران‌ها تعطیل، قایق‌های تفریحی بدون مسافر و صیادان بدون مشتری شـده‌اند. با این حال، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کل و حتی مناطق جنوبی مداخله‌ای در این زمینه نداشـتند. بر اساس آمار رسمی مدیرکل میراث فرهنگی، گردشـگری و صنایع دسـتی هرمزگان، تاکنون ۱۱۰ فروند لنج آسیب دیده، دو شناور تفریحی نیمه‌کروز از مدار خارج شده‌اند، دست‌کم دو اثر تاریخی استان آسـیب دیده و حدود ۴.۵ میلیون گردشگر از سـفر به این استان منصرف شده‌اند. این موضوع باعث از بین رفتن درآمد بسـیاری از کاسبی‌های کوچک شده است. البته این وضعیت بحرانی صنعت گردشگری جنوب ایران فقط به روزهای جنگ و شدت تورم در شرایط حاضر برنمی‌گردد و ریشه‌های آن به سال‌های قبل برمی‌گردد. به‌طور مثال رئیس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی آبادان در بهمن ۱۴۰۳ در توضیحی از شرایط توریسـتی جنوب ایران گفته بود: «حال گردشگری جنوب غرب ایران خوب نیست». با ایـن حال، حملات به جنوب ادامه دارد و در برخی موارد خسـارت‌های قابل توجهی به بار آورده اسـت. حتی مسـافرانی که در چند ماه گذشته به مناطق تفریحی جنوب سفر کرده‌اند، از شنیدن صدای حملات در فاصله‌ای دورتر از محل اقامت خود روایت می‌کنند؛ صداهایی که با وجود فاصله، باعث نگرانی آنها شده است. از طرفی بررسی سایت‌های گردشگری و رزرو اقامتگاه‌های جنوب هم نشان می‌دهد بیشتر اقامتگاه‌ها خالی هستند و رزرو چندانی در آنها نشده است.

بوم‌گردی‌های قشم را فروختند و رفتند

«یوسـف تاتا»، مدیر اقامتگاه خالو منصور در روستای ساحلی نقاشه قشم، درباره وضعیت این روزهای بدون میهمان در اقامتگاه می‌گوید: «از روز شروع جنگ، اقامتگاه ما تعطیل اسـت. فضای بوم‌گردی ما چون حالت بومی و کلاسیک دارد، مخاطبانش بیشـتر مردم تهران و شهرهای بزرگ مثل مشهد و شـیراز هستند. با شرایط فعلی نه امیـدی داریم و نه امـکان برنامه‌ریزی برای ماه‌های آینده؛ چون هیچ چیز مشـخص نیسـت و شـرایط سـختی را طی می‌کنیم. ظرفیت ما ۲۰ نفر است و چند ماهی شده که به تعداد بسیار محدود میهمان داشتیم. سال قبل هم که ارز مقداری افزایش پیدا کرده بود، تعداد توریست‌های ما کم شد. با هر تغییر اجتماعی می‌بینیم که رفت‌وآمد توریست چقدر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و آن زمان هم شرایط خوبی نبود». این صاحب بوم‌گردی از تأثیر این شـرایط بر اقتصاد کل روستا می‌گوید که به هر شکل، خانواده‌ها را درگیر کرده اسـت: «جمعیت روسـتای ما کم اسـت. حتی بچه‌هایـی از تهران و شهرهای دیگر هم اینجا آمدند و کافه و رستوران‌های شیک راه انداختند، اما این روزها از نظر گردشـگری هیچ‌کس کاری انجام نمی‌دهـد. آن صیادی که ماهی می‌گرفت و آن ماشـینی که مسـافرها را جابه‌جا می‌کرد، همه مجبور شدند به شغل‌های دیگری رو بیاورند. بعضی‌ها سـراغ کارهایـی مثل قاچاق رفته‌اند و حتـی صیادی هم برای بعضی‌ها دیگر با سـرمایه‌گذاری‌ای که انجـام داده بودند، همخوانی ندارد. بچه‌های تهران و شـهرهای دیگر که اینجا سـرمایه‌گذاری کرده بودند نیز مجبور شدند ملک و زمین‌هایشـان را زیر قیمت بفروشـند و از اینجا بروند. مثلا در خردادماه خیلی‌هایشان می‌گفتند دنبال مشتری هستند تا ملکشـان را بفروشند. بنابراین دیگر کسی هم اینجا سرمایه‌گذاری نمی‌کند». با این حال از احتمالی صحبت می‌کند که در این مدت بارها با دیگر اهالی روستا درباره آن گفت‌وگو کرده‌اند: «اگر شرایط جنگ نباشد، صدای انفجار نباشـد و پروازها سر جای خودشان باشـند، احتمالا میهمان به منطقه ما می‌آید. اما اگر صدای انفجار باشـد، خیلی‌ها نمی‌آیند. از طرف دیگر، مردم از کنسل‌شدن پروازها می‌ترسند و ریسک نمی‌کنند. در همان جنگ ۱۲روزه، در اقامتگاه ما میهمان‌های زیادی بودند که چون پرواز نبود، مجبور شدند حدود ۲۰ میلیون تومان هزینه کنند و با ماشین بروند. برای همین مردم خیلی ریسـک نمی‌کنند که بیایند، چون ممکن اسـت برنامه سفرشـان به مشکل بخورد. به نظرم تورم در شرایط توریستی اینجا تأثیر دارد، ولی اگر جنگ نباشد، باز هم خیلی‌ها می‌آیند». او از تأثیر حال عمومی کشور بر تعداد توریست در منطقه می‌گوید: «در سـال گذشـته درآمـد زیادی نداشـتیم. بهمن‌ماه پیک کاری ماست، اما به دلیل اتفاقات سال قبل، میهمان خاصی نداشتیم. فروردین تا خرداد هم معمولا زمانی است که توریست زیاد داریم، ولی به برآوردی که نیاز بود نرسیدیم. الان مشخص نیسـت این وضعیت و بلاتکلیفی قرار است تا چه زمانی ادامه داشته باشد. ما نه می‌توانیم برای ماه‌های آینده برنامه‌ریزی کنیم و نه می‌دانیم شـرایط چه زمانی به ثبات خواهد رسید».

آواره شده‌ایم

مدیر بوم‌گردی «مانِ همیشـه سـبز» در بوشهر از شرایط سـخت کار در این روزها می‌گوید که جنگ و تورم شدید امکان حضور توریست را به کمترین تعداد خود رسانده اسـت: «وضعیت واقعا خراب اسـت. مـا تقریبا هیچ میهمانی نداریـم و عملا آواره شـده‌ایم. اقامتگاه مثل سـال‌های قبل رونق ندارد و شرایط اصلا قابل مقایسه با هیچ وقت دیگری نیسـت. هر سال در انتهای تابستان، فصل سفر به جنوب شروع می‌شد و از حدود دو ماه دیگر رزروها افزایش پیدا می‌کرد. اقامتگاه ما کامل تعطیل نیسـت، اما میزان مسافر حتی مثل سال قبل هم نیست. اقتصاد ایران در حال حاضر تقریبا خوابیده و این شرایط روی کسب‌وکار ما هم تأثیر گذاشته است. بوم‌گردی ما در یک نقطه خاص و توریستی بوشهر قرار دارد و از معدود اقامتگاه‌های خوب نزدیک ساحل است. با این حـال رزرو خاصی نداریم. البته برای پاییز امیدواریم. بایـد امیدوار بود تا به امید خدا جنگ تمام شود و کسب‌وکارها دوباره به شرایط عادی برگردند».

«عبدالرحمان تاتا» هم مدیر یک اقامتگاه بوم‌گردی در قشـم است که گردشگری آنهـا به دلیل نزدیکی به جزیره هنـگام و جنگل حرا، فضای خاصـی را ایجاد کرده، بـا این حال آنها هم هیچ توریسـتی ندارند: «اقامتگاه ما شـش اتـاق دارد و ظرفیت اقامتی‌مان حدود ۱۲ تا ۱۸ نفر اسـت. با این حال از عید که معمولا پیک کاری ماست، فعالیتی نداشتیم. ولی خودمان را امیدوار نگه می‌داریم و به خودمان می‌گوییم شاید یک ماه دیگر همه‌چیز درست شـود و بتوانیم دوباره فعالیت کنیم. از اسفند تا حدود ۲۰ فروردین درگیر جنگ بودیم و هیچ فعالیتی انجام نمی‌شـد. بعد از آن هم شرایط حمل‌ونقل، بسـته‌بودن فرودگاه‌ها و نبود پرواز باعث شـد کسی نیاید. بعد هم دوباره در قشم یک‌سری درگیری‌ها و اتفاقات افتاد و هنوز هم ادامه دارد. اگر هم گردشگری باشد، بیشتر کسانی هستند که به سمت بندرعباس یا خود شهر قشم می‌روند و معمولا سـراغ خیلی از جاهای گردشـگری و اقامتگاه‌های بوم‌گردی نمی‌روند. خلاصه فعلا هیچ کاری از دسـت ما برنمی‌آید و فقط امیدواریم همه چیز درسـت شود». مدیر این اقامتگاه درباره مقایسه وضعیت امسال با سال‌های گذشته می‌گوید: «در این پنج سال که اقامتگاه دارم، می‌بینم سال به سال شرایط ضعیف‌تر می‌شود. شهریور و مهر پارسال هم نسبت به سال‌های قبل ضعیف‌تر بود، اما امسال دیگر هیچ خبری نیست. پارسال شاید در هفته سه، چهار تماس داشـتم. آدم‌هایی تماس می‌گرفتند تا برای سفرشان برنامه‌ریزی کنند، قیمت بگیرند، درباره وضعیت آب‌وهوا بپرسند و شرایط را جویا شوند. همین تماس‌ها برای ما جای امید داشـت. خودمـان را آماده می‌کردیم. حتی هزینه می‌کردیم. تعمیرات انجام می‌دادیم و اگر دسـت‌مان هم خالی بود، اقساطی کارها را انجام می‌دادیم، به امید اینکه اگر مهر نشد، در آبان و آذر دیگر شرایط درست می‌شود.

واقعا هم همین‌طور می‌شد». او ادامه می‌دهد: «امسال امکان این ریسک را هم نداریم. اقامتگاه هر سال نیاز به بازسازی دارد، اما دیگر جرئت نمی‌کنیم پولی بگذاریم و ریسک کنیم؛ چون اگر دوباره همان اتفاقات بیفتد، دیگر نمی‌شود هزینه‌ها را جبران کرد».

در فکر تغییر شغل هستیم

طبـق گفته‌های ایـن مدیر بوم‌گردی، حالا همه به فکر شـغل‌های دیگر هسـتند: «به فکر شـغل دوم و سوم هسـتیم تا حداقل خرج روزمره را دربیاوریم. حتی سیستم گردشـگری و مدیریت گردشـگری حمایت خاصی نمی‌کند که مـا بگوییم آنها از یک سـمت دارند حمایت می‌کنند و پس قرار است اتفاقات خوبی بیفتد. یک‌سری وعده و وعید می‌دهند. الان هم خیلی از افراد که برای کسـب‌وکار اینجا بودند، در همین چند ماه جمع کردند و رفتند. در روستای ما حدود هشت یا ۹ اقامتگاه بوم‌گردی وجود دارد که به همین سبک فعالیت می‌کنند. مثلا چند کافه خوب داریم که همه تعطیل است. زندگی همه اهالی به گردشـگری منطقه وصل بود. به شـکل مستقیم و غیرمستقیم همه از این راه کسـب درآمد داشـتیم. مثلا خودم یک اقامتگاه با چهار پرسنل دارم که آنجا فعالیت می‌کنند. از طرفی حداقل چهار راننده با ماشین‌هایشان برای من فعالیت می‌کنند. اینها کسانی هستند که کاملا مستقیم درگیر این قضیه‌اند. در مجموع، حداقل ۱۰ نفر به‌صورت مسـتقیم برای ما شـاغل بودند که الان همه بیکارند یا به سمت کار دیگری رفته‌اند؛ کاری در حد اینکه بتوانند خرج روزمره‌شـان را دربیاورند. از طرفی کل خانواده من، خانواده برادرم و خانواده خواهرم همگی درگیر این شـغل هستند. وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، من مستقیم می‌بینم که سفره خانواده‌ها دارد خالی می‌شود. اگر بخواهیم اشتغال غیرمستقیم را هم حسـاب کنیم، تعداد خیلی بیشتر می‌شود. من با یک اقامتگاه حداقل می‌توانم بگویم ۱۰ نفر به‌صورت مسـتقیم و خیلی راحت ۲۰ نفر به‌صورت غیرمستقیم بیکار یا کم‌کار می‌شوند. حالا همه اینها را در یک روستای حدود هزارو ۵۰۰ نفری در نظر بگیرید. تقریبا می‌توان گفت حدود ۳۰۰ نفر به‌صورت مستقیم و غیرمسـتقیم از همین سیستم گردشـگری و اقامتگاه‌ها امرار معاش می‌کردند. حالا این افراد بیکار می‌شـوند؛ رسـتوران‌دار، کافه‌دار و همه کسانی که در این زنجیره درگیر بودند، همگی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و می‌دانم روسـتاهای دیگر هم همین شـرایط را دارنـد». او بـه صحبت‌هایش ادامه می‌دهد و از همین وضعیت در روسـتای طبل می‌گویـد: «اگر روسـتای طبل را در نظر بگیرید، حداقل ۵۰ درصد مغازه‌ها وابسـته به گردشـگر هستند. آدم‌ها سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی کرده‌اند که وقتی گردشگر می‌آید، درآمد داشـته باشـند. الان که می‌رویم، یا مغازه‌ها تعطیل هستند یا طرف مغازه را باز کرده و نشسته است. فرقی نمی‌کند در خانه بنشیند یا در مغازه؛ در هر صورت درآمدی ندارد. واقعا شـرایط خیلی بد است. خدا کند در این یک ماه اتفاق خوبی بیفتد. اگر در مهر و آبان ببینیم تلفن زنگ می‌خورد و آدم‌ها درباره آب‌وهوا و شـرایط سؤال می‌کنند، یعنی در حال برنامه‌ریزی برای سفر هستند که نشان بهترشدن شرایط است. حتی خیلی از بچه‌هایی که من می‌شناسـم، مجوزهایشان تمام شـده و برای تمدید دیگر اقدامی نکرده‌اند. طرف دیگر امیدش را از دست داده است. می‌گوید من برای چه چیزی مجوز را تمدیـد کنم؟ وقتی امیدی به ادامه کار ندارم، چرا بایـد بروم مجوزم را تمدید کنم؟ این خودش نشان می‌دهد که شرایط چقدر روی فعالان گردشگری اثر گذاشته است».

سازمان گردشگری هم ناامیدمان کرد

صاحـب یکی از بوم‌گردی‌های قشـم که همچون دیگـر همکارانش با تعطیلی مجموعه مواجه شـده اسـت، درباره جای خالی حمایت‌های دولتـی می‌گوید: «در سال‌های گذشته، جلسات مشخصی با حضور مسئولان حوزه گردشگری برای بررسی وضعیت منطقه و برنامه‌ریزی برای فصل سـفر برگزار می‌شد، اما امسال خبری از این جلسات نیست. حتی اطلاع‌رسانی مشـخصی درباره برنامه سازمان میراث فرهنگی، گردشـگری و صنایع دسـتی برای حمایت از کسـب‌وکارهای گردشگری انجام نشده است. در شرایطی که بسیاری از اقامتگاه‌ها و کسب‌وکارهای گردشگری با کاهش شدید مسـافر و درآمد مواجه‌اند، انتظار این بود که حداقل جلساتی برای بررسی وضعیت و پیداکردن راهکار برگزار شـود. نبود همین پیگیری‌ها و جلسات، ناامیدی را بیشتر کرده است؛ چون احتمالا چشم‌انداز مشخصی برای ادامه فعالیت و بازگشت گردشگری به منطقه وجود ندارد».

آسیب به چهره یک مقصد گردشگری

رامیـن نوری، کارشـناس گردشـگری، در گفت‌وگو با «شـرق» یکـی از مهم‌ترین آسـیب‌های جنگ به گردشگری را جدا از خسارت‌های مستقیم اقتصادی و معیشتی، ذهنیت گردشگر به آن منطقه می‌داند و می‌گوید: «مهم‌ترین آسیبی که جنگ می‌زند، جدا از بحث امنیت اقتصادی و معیشـت و هر چیز دیگری، آسیبی است که به تصویر یک مقصد می‌رسـد. جنوب کشور پیش از این هم تجربه جنگ ایران و عراق را داشته و پیامدهای آن همچنان بر جایگاه گردشـگری این منطقه سـایه انداخته است. شاید همچنان آن جایگاه و ابهتی که باید برایش ایجاد می‌شـد، هنوز به دست نیامده بود. حـالا هم حتی اگر یک جاهایی دوباره حالت صلح، آتش‌بس یا هر چیز دیگری برقرار شـود، باز جنوب درگیر این داسـتان است و این مسئله کار را سـخت‌تر می‌کند». این کارشـناس درباره تأثیر ادامه این شرایط اضافه می‌کند: «سـرمایه‌گذاری زمانی اتفاق می‌افتد که آدم‌ها احسـاس امنیت و آرامش کنند. آرامش و امنیت فقط به این معنا نیست که شما از یک موضوع خاص خیالتان راحت باشد و مجموع شرایط تأثیر دارد، یعنی از جهات مختلف به این احسـاس امنیت نیاز اسـت. در بحث گردشگری، این موضوع اهمیت بیشتری دارد. مسائل امنیتی، سیاسی و همه این موارد در کنار هم قرار می‌گیرند و روی گردشگری اثر می‌گذارند».

آگهی مزایده عمومی یک‌مرحله‌ای به شماره ۱۴۰۵/۱۰/۰۰/۰۸

نوبت اول

شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش

- **مزایده‌گزار:** شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش(سهامی خاص)
- **موضوع مزایده:** «واگذاری قطعی ۱۰ واحد مسکونی واقع در برج ۳ مجتمع رویای کیش»
- مبلغ برآورد اولیه و تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار مطابق جداول به شرح ذیل:

موارد مزایده فروش واحدهای مسکونی برج 3 مجتمع مسکونی رویای کیش

ردیف	برج	شماره طبقه	واحد	موقعیت	مساحت کل (مترمربع)	تعداد خواب	تعداد اقساط	جمع کل پایه مزایده (نقد و اقساط) ریال با احتساب یک باب پارکینگ	مبلغ سپرده مزایده (ریال)
۱	۳	۴	۱	شمالی	۱۶۲/۵۱۵	۲	۱۲	۷۳۹,۴۴۳,۲۵۰,۰۰۰	۳۶,۹۷۲,۱۶۲,۵۰۰
۲		۴	۲	شرقی	۵۹/۲۰۸	۰	۱۲	۳۰۷,۸۸۱,۶۰۰,۰۰۰	۱۵,۳۹۴,۰۸۰,۰۰۰
۳		۴	۳	شرقی	۸۴/۹۷۶	۱	۲۴	۴۶۳,۸۶۵,۲۴۷,۰۰۸	۲۳,۱۹۳,۲۶۲,۳۵۰
۴		۴	۵	جنوب‌غربی	۱۱۱/۸۲۵	۲	۲۴	۵۶۱,۱۰۰,۵۰۱,۲۷۶	۲۸,۰۵۵,۰۲۵,۰۶۴
۵		۴	۷	غربی	۸۹/۹۶۲	۱	۲۴	۴۵۱,۳۹۹,۲۶۹,۳۵۶	۲۲,۵۶۹,۹۶۳,۴۶۸
۶		۴	۸	غربی	۸۸/۵۷۰	۲	۱۲	۴۱۱,۸۵۰,۵۰۰,۰۰۰	۲۰,۵۹۲,۵۲۵,۰۰۰
۷		۶	۱	شمالی	۱۶۲/۵۱۵	۲	۱۲	۸۲۰,۷۰۰,۷۵۰,۰۰۰	۴۱,۰۳۵,۰۳۷,۵۰۰
۸		۶	۳	شرقی	۸۴/۹۷۶	۱	۱۲	۴۴۱,۸۷۵,۲۰۰,۰۰۰	۲۲,۰۹۳,۷۶۰,۰۰۰
۹		۶	۴	جنوب شرقی	۱۴۴/۸۳۶	۳	۱۲	۷۳۱,۴۲۱,۸۰۰,۰۰۰	۳۶,۵۷۱,۰۹۰,۰۰۰
۱۰		۶	۵	جنوب غربی	۱۱۱/۸۲۵	۲	۱۲	۵۳۶,۷۶۰,۴۸۰,۰۰۰	۲۶,۸۳۸,۰۲۴,۰۰۰

تاریخ فـروش اسـناد مزایـده: از تاریخ درج آگهـی (چهارشـنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۵) در سایت شـرکت (idctender.kish.ir) تـا سـاعت ۱۵ روز یکشـنبه مـورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۵

- **آخریـن مهلـت زمـان تحویـل اسـناد مزایـده:** از تاریخ درج آگهـی فـروش اسـناد تـا سـاعت ۱۵ روز یکشـنبه مـورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۲
- **محل‌های فروش اسناد مزایده و تحویل پاکات:**

دفتـر مرکـزی: جزیـره کیـش- لـوپ دیدار-خیابـان بـرج صدف-بـرج صدف-طبقـه سـوم - دبیرخانـه شـرکت سـرمایه‌گذاری و توسـعه کیـش- تلفـن۷۲-۴۴۴۵۳۲۷۱-۰۷۶

دفتـر تهـران: بزرگـراه نلسـون مانـدلا- بالاتـر از چهـارراه شـهید حقانـی (جهـان کـودک)- نبـش خیابـان کیـش- سـاختمان منطقـه آزاد کیـش- شـماره ۴۵ - طبقـه دوم تلفن: ۸۸۸۸۰۲۶۰- ۸۸۷۷۱۹۰۳ -۰۲۱

سامانه اینترنتی مزایده‌ها و مناقصات شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش idctender.kish.ir (صرفاً فروش)

- **مبلـغ فـروش اسـناد مزایـده:** ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ (پانـزده میلیـون) ریـال وجـه نقـد کـه می‌بایسـت بـه حسـاب شـماره ۷۲۱۷۱۱۶۲۵۹۶۵۷۱ بـه شـماره شـبا IR۰۷۰۶۰۰۷۲۱۷۰۱۱۰۶۲۵۹۶۵۷۰۰۱ نـزد بانـک قرض‌الحسـنه مهـر ایـران بـه نـام شـرکت سـرمایه‌گذاری و توسـعه کیـش واریـز گـردد
- مبلغ خرید اسناد از طریق سامانه اینترنتی شرکت ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده میلیون) ریال می‌باشد.
- **نوع سپرده شرکت در مزایده** که می‌بایست به یکی از سه روش ذیل ارائه شود:

- ارائـه ضمانتنامـه بانکـی بـدون هرگونـه قیـد و شـرط بـه نـام مزایـده گـزار مطابـق ضوابـط منـدرج در اسـناد مزایـده بـا اعتبـار سـه مـاه و قابـل تمدیـد بـرای سـه مـاه دیگـر
- چک بانکی تضمینی در وجه شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش
- رسید واریز نقدی به حساب شماره ۳۶۰۹۱۱۱۸۵۷۴۴۶۵۱ به شماره شبا IR ۵۳۰۲۲۰۳۶۰۹۰۱۱۱۸۵۷۴۴۶۵۰۰۱ نزد بانک توسعه تعاون به نام شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش.

- **شرایط موضوع مزایده:**

- تمامی واحدها دارای یک واحد پارکینگ و فاقد انباری می‌باشند.
- کلیـه پیشـنهاددهندگان در صـورت تمایـل و پـس از خریـد اسـناد می‌تواننـد بـا هماهنگـی مدیریـت سـرمایه‌گذاری و فـروش بـا شـماره ۷۲- ۴۴۴۵۳۳۷۱-۰۷۶ داخلـی - (۱۱۷-۱۱۰) تمـاس حاصـل نمـوده و از محـل موضـوع مزایـده بازدیـد نماینـد.
- نحوه پرداخت مبالغ پیشنهادی نقد و اقساط به شرح ذیل می‌باشد:

-**پیش‌پرداخـت:** بـرای واحدهـای تیـپ یـک معـادل ۷۰ درصـد از کل ثمـن معاملـه و سـایر تیپ‌هـا (واحدهـا) معـادل ۵۰ درصـد از کل ثمـن معاملـه

-**۵ درصد زمان تحویل:** معادل ۵ درصد از کل ثمن معامله هم زمان با تحویل واحد به خریدار.

-**۵ درصد زمان انتقال سند:** معادل ۵ درصد از کل ثمن معامله هم زمان با انتقال سند.

- الباقی ثمن معامله مطابق جدول مذکور براساس تعداد اقساط
- برنـده مزایـده می‌بایسـت پیش‌پرداخـت را صرفـاً بصـورت نقـدی واریـز و اصـل فیـش واریـزی را بـه امـور مالـی شـرکت تحویـل نمایـد.
- امـکان تهاتـر مطالبـات و یـا ارائـه اعلامیـه مالـی توسـط پیشـنهاددهندگانی کـه دارای مطالبـات از سـازمان منطقـه آزاد کیـش و شـرکتهای تابعـه می‌باشـند؛ وجـود نداشـته و امـکان تسـویه مطالبـات بـا تعهـدات مالـی منـدرج در شـرایط اسـناد مزایـده وجـود نـدارد.

سایر شرایط:

-هزینـه درج هـر دو نوبـت آگهـی و کارشناسـی رسـمی دادگسـتری بـه نسـبت مسـاحت هـر واحـد بـه عهـده برنـده مزایـده می‌باشـد.
- در صـورت درخواسـت بیـش از یـک واحـد لازم اسـت بـه ازاء هـر واحـد بصـورت مجـزا اسـناد مزایـده خریـداری گـردد. لـذا بدیهـی اسـت هـر پیشـنهاد بـرای هـر یـک از ردیف‌هـای موضـوع مزایـده می‌بایسـت در پـاکات خریداری‌شـده بصـورت مجـزا تکمیـل و ارائـه گـردد.
- شرکت کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مزایده آزاد است.
- بـه پیشـنهادهای فاقـد امضـاء، مشـروط، مخـدوش و پیشـنهادهایی کـه بعـد از انقضـای مـدت مقرر در آگهـی واصـل شـود، مطلقـاً ترتیـب اثـر داده نخواهـد شـد.
- بـه پیشـنهادهای فاقـد سـپرده، سـپرده‌های مخـدوش یـا کمتـر از میـزان مقـرر، چـک شـخصی و نظایـر آن ترتیـب اثـر داده نخواهـد شـد.
- حداقـل تعـداد پیشـنهادات واصلـه در مرحلـه بازگشـایی پـاکات «الـف» و «ب» سـه پیشـنهاد و بـرای پـاکات «ج» دو پیشـنهاد می‌باشـد.
-پـاکات در سـاعت ۱۰ صبـح روز سه‌شـنبه مـورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ در جلسـه کمیسـیون معامـلات در دفتـر مرکـزی شـرکت بازگشـایی خواهنـد شـد.
-حضـور متقاضیـان یـا نماینـده تام‌الاختیـار پیشـنهاددهندگان در جلسـه بازگشـایی پـاکات «ج» در صـورت ارائـه معرفی‌نامـه کتبـی، مجـاز می‌باشـد.
- مزایده‌گـزار در رد یـا قبـول هـر یـک از پیشـنهادات مخیـر خواهـد بـود و ارائـه اسـناد مزایـده هیچگونـه حقـی بـرای پیشـنهاددهندگان ایجـاد نخواهـد کـرد.
- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده درج گردیده است.
- جهـت کسـب اطلاعـات بیشـتر بـا شـماره تلفـن۷۲-۴۴۴۵۳۲۷۱-۰۷۶ دبیرخانـه کمیسـیون معامـلات تمـاس یـا بـه سـامانه اینترنتـی مزایده‌هـا و مناقصـات شـرکت سـرمایه‌گذاری و توسـعه کیـش idctender.kish.ir مراجعـه فرماییـد.

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش